

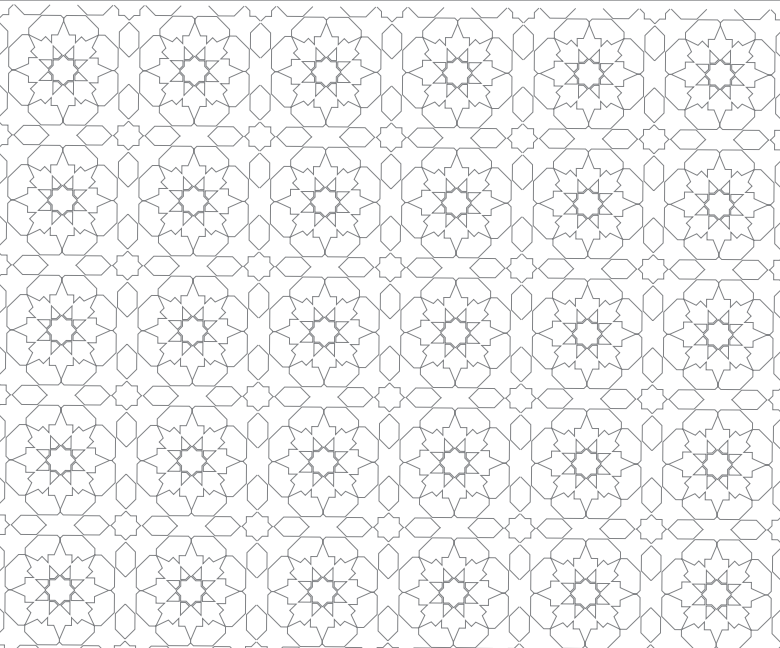


تشخیص ارادۀ خدا

تت استیوارت

تشخيص ارادة خدا

تت استيوارت





انتشارات جام
جهان ادبیات مسیحی

جهت تهیه این کتاب و یا دسترسی به سایر ادبیات مسیحی چاپ
انتشارات جام (جهان ادبیات مسیحی)، با رایانامه زیر به فارسی یا
انگلیسی تماس بگیرید

order@judeproject.org

سرشناسه: تشخیص اراده خدا

نویسنده: تت استیوارت

صفحه آرایی: انتشارات جهان ادبیات مسیحی (جام)

ناشر: انتشارات جام، زیرمجموعه جودپراجکت

چاپ: اول، ۲۰۱۸

شابک: ۹۷۸۱۹۴۱۶۹۳۳۳۰

حق چاپ این اثر برای انتشارات جام محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم گرفته شده است.

مقدمه/۶

بخش اول:

تشخیص ارادهٔ خدا/۱۱

بخش دوم:

روش‌های درست برای تشخیص ارادهٔ خدا/۲۱

بخش سوم:

تشخیص درستی کارمان / ۳۱

بخش چهارم:

راه‌های خدا برای هدایت ما / ۴۵

مقدمه

شک ندارم که هدف شما از مطالعه این کتابچه این است که می‌خواهید اراده خدا برای زندگی خودتان را بدانید. سوال این است که شما چگونه می‌توانید اراده خدا را به طریقی کتاب‌مقدسی تشخیص دهید؟ عده بسیاری هستند که راه‌های کذبی را برای تشخیص اراده خدا ترویج می‌دهند مانند آنهایی که می‌گویند اراده خدا را با قلب خود دریافت می‌کنند. اما کتاب‌مقدس می‌گوید که قلب مریض و فریبنده است؛ بنابراین نمی‌توانیم به قلب‌های مان اعتماد کنیم. عده دیگری اینطور از کلام خدا سوءاستفاده می‌کنند که آن را همینطور باز می‌کنند و اولین آیه‌ای که می‌بینند را هدایت خدا برای خویش می‌پندارند. این بیشتر قرعه و شانس به نظر می‌آید تا اینکه هدایت خدا باشد. افرادی هم هستند که هر موقعیت و درازی را اثبات هدایت خدا می‌دانند. حقیقت این

است که تمام درهای باز از طرف خدا نیستند و هر در بسته‌ای هم به این معنی نیست که خدا نمی‌خواهد شما به آن سو بروید. شنیده‌ام که بعضی می‌گویند «اگر آرامش داشته باشم، حتماً از طرف خداست». خیلی هم نه! یونس وقتی در کشتی‌ای که او را از هدایت خدا دور می‌کرد خوابیده بود، آرامش داشت. شما را تشویق می‌کنم که چنین عاداتی را دور بریزید و برای راهنمایی گرفتن به کلام خدا نگاه کنید.

اجازه بدهید در بررسی این مطلب بسیار مهم به شما کمک کنم تا کتاب مقدسی در مورد آن فکر کنید. نخست، مسئلهٔ «ارادهٔ اخلاقی» خدا وجود دارد. می‌دانیم هرآنچه که خدا ما را از انجام آن در کلام خود منع کرده است، ارادهٔ او برای ما نیست. و هرآنچه را که به انجام آن فرمان داده است، ارادهٔ او برای ما است. بنابراین درک این مسئله ساده است. دوم، ما می‌دانیم که خدا حاکم مطلق است و هیچ چیز بدون اجازهٔ او اتفاق نمی‌افتد و

همچنین می‌دانیم که خدا بانی شرارت نیست. بنابراین باید اینطور نتیجه بگیریم که خدا یک «اراده مجاز» دارد. یعنی او به شیطان اجازه می‌دهد که در دنیای ما فعالیت کند و اتفاقات شریرانه رخ می‌دهند. اما از آنجایی که حاکم مطلق است می‌تواند از آنچه که شیطان در نظر دارد برای خیریت ما و گسترش ملکوت و جلال خود استفاده کند. جایی که به کمک احتیاج پیدا می‌کنیم آنجاست که کتاب مقدس در مورد مسئله‌ای صحبت نکرده و این همان جایست که این کتابچه می‌تواند به شما یاری برساند.

از شما می‌خواهم رومیان ۱۲: ۱-۲ را قبل از مطالعه این کتابچه بخوانید. آنجا خواهید خواند که ما اراده خدا را از طریق سرسپردگی به پسر او، خداوند عیسیای مسیح می‌آموزیم و نیز با یاد گرفتن اینکه مثل دنیا فکر نکنیم بلکه اذهان خود را با حقیقت کتاب مقدسی تبدیل دهیم. دعا می‌کنم همینطور که این کتابچه را مطالعه

می‌کنید، شادی عظیم کشف اراده خدا برای
زندگی‌تان را بیابید تا بتوانید این شادی را با
دیگران تقسیم کنید.
«خداوند کار مرا به کمال خواهد رسانید.» (مزمور
۱۳۸: ۸)

کشیش ت استیوارت

بخش اول

تشخیص اراده خدا

«سَر خداوند با ترسندگان اوست» (مزمو ر ۲۵: ۱۴)

ما هر روزه در خصوص زندگی و خدمت فردی خود با تصمیم گیری‌هایی روبرو هستیم. اگر به امر خدمت به ایمانداران مشغولیم، ایشان حتما درباره تصمیمات‌شان از ما مشورت می‌طلبند. حال چگونه می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که روش ما برای درک اراده خدا روشی است صحیح؟ من بر این باورم که درک اراده خدا و تفسیر آن برای دیگران، بزرگ‌ترین عرصه‌ای است که ما شبانان در آن دخل و تصرف

می‌کنیم. ما اغلب اراده و خواست خود را با اراده خدا اشتباه می‌گیریم و سپس آن را برای دیگران تفسیر می‌کنیم و اراده خدا را وسیله‌ای می‌سازیم برای رسیدن به منافع شخصی‌مان. اما به جاست که تعالیم کتاب مقدس را در خصوص درک اراده خدا مجدداً بررسی کنیم.

در ابتدا باید به خاطر داشته باشیم که خداوند خواستار این است که اراده خود را برای فرزنداناش آشکار نماید. نخستین روشی که برای این فرایند قرار داده، استفاده از کلام اوست. بنابراین هرچه بیشتر با کلام خدا آشنا باشیم، بهتر بر حل این مشکل فائق خواهیم آمد. البته باید این نکته را خاطر نشان سازم که من بر این باورم که خدا به طور مستقیم نیز با ما صحبت می‌کند. در مزمور ۱۴:۲۵ می‌خوانیم: «سر خدا با ترسندگان اوست» و در عاموس ۳:۷ چنین آمده که «زیرا خداوند یهوه کاری نمی‌کند جز اینکه سر خودش را به بندگان خود، انبیا مکشوف می‌سازد.» و اگر

این آیات کفایت نمی‌کنند، کلام عیسی مسیح را داریم که می‌فرماید: «گوسفندان من آواز مرا می‌شنوند، من آنها را می‌شناسم و مرا متابعت می‌کنند» (یوحنا ۱۰: ۲۷). اما چگونه می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که آنچه می‌شنویم صدای خداست؟

داوود نبی در مزمور ۲۵ در خصوص نگرشی سخن می‌گوید که طالبان شنیدن صدای خدا و درک اراده او باید از آن برخوردار باشند. امیدوارم که خودتان این مزمور را به دقت مورد مطالعه قرار دهید. اما لطفا اجازه دهید که در این مورد به چند نکته اشاره کنم:

نخست باید مشتاق دریافتن آنچه باشیم که موجب خشنودی خداست. «ای خداوند طریق‌های خود را به من بیاموز... مرا به راستی خود سالک گردان و مرا تعلیم ده» (آیات ۴-۵). دیگر آنکه خداوند هادی فروتنان است نه متکبران: «مسکینان را به انصاف رهبری خواهد کرد» (آیات ۱۲-۱۴). نکته

دیگر اینکه خداوند اراده خود را بر خداترسان و مطیعان آشکار می‌کند که در حضور او با ستایش سر تعظیم و تکریم فرو می‌آورند. مضافاً اینکه از مطالعه رومیان ۱: ۲-۱۲ در می‌یابیم که خداوند اراده‌اش را بر آنانی آشکار می‌سازد که حتی پیش از درک اراده او، مطیع و سر سپرده وی هستند. او هادی کسانی است که دنیا تعیین‌کننده نحوه تفکرشان نیست بلکه خود از دریچه کلام خدا به زندگی نگاه می‌کنند.

خدا در این خصوص که ایمانداران چگونه اراده او را درک و تفسیر می‌کنند بسیار حساس است، و به دقت روش‌های غیر قابل قبول را مشخص می‌سازد. در تثنیه ۱۸: ۱۰-۱۲ می‌خوانیم «و در میان تو کسی یافت نشود که پسر یا دختر خود را از آتش بگذرانند، و نه فال‌گیر و نه غیب‌گو و افسونگر و نه جادوگر، و نه ساحر و نه سوال‌کننده از اجنه و نه رمال و نه کسی که از مردگان مشورت می‌گیرد. زیرا که هر که این کارها را کند

نزد خداوند مکروه است و به سبب این رجاسات، یهوه خدایت، آنها را از حضور تو اخراج می‌کند.» در ابتدا با خواندن این آیات ممکن است فکر کنید که مردم امروزه در کلیسای عیسای مسیح دست به اینگونه اعمال شیطانی نمی‌زنند. اما بیایید با هم به بعضی از عاداتی که در بسیاری از کلیساهای ما مرسوم‌اند، نظری بیندازیم. ما باید قلب خود را تفحص کنیم و مطمئن شویم که در مسیر درک و تعیین اراده خدا، با روش‌های خود او را آزرده نمی‌سازیم.

من در کلیساهای مان چهار روش گناه‌آلود را مشاهده کرده‌ام که به ترتیب آنها را ذکر می‌کنم:

۱- اشتباه گرفتن احساسات قلبی خودمان با اراده خدا

برخی اینگونه فکر می‌کنند که پس از دعا و طلبیدن اراده الهی، اولین احساسی که

بدیشان دست می‌دهد نشانی است از اراده خدا. این افراد آمال و آرزوهای خود را با اراده خدا اشتباه می‌گیرند. حتما تاکنون بارها شنیده‌اید که گفته‌اند «خداوند این موضوع را در قلب من گذاشته است.» در واقع این چیزی نیست که خدا برای آنان آشکار کرده باشد، بلکه نتیجه تصورات و خیال‌پردازی‌هایی است که پیرامون آرزوهای‌شان داشته‌اند. خوب به یاد دارم که یک بار برادرم به من گفت خانمی مسن به او گفته بود: «خدا به من نشان داده که با شما ازدواج کنم.» و برادرم در جواب به او گفته است: «چگونه است که خداوند فقط این موضوع را به شما نشان داده است؟» آیا خدا در نشان دادن اراده خود به فرزندانش تبعیض قائل می‌شود؟ خوب است که آنچه را ارمیای نبی در خصوص قلب‌های‌مان گفته به خاطر بیاوریم «دل از هر چیز دیگر فریبنده‌تر است و بی‌علاج، کیست که اسرار آن را بدانند؟» (ارمیا ۱۷: ۹). هرچند

کتاب مقدس در نقطه مقابل به ما تعلیم می‌دهد که فریفته نشویم و بدانیم که «راهی است که در نظر انسان راست می‌نماید، اما عاقبت آن منتهی به هلاکت است» (امثال ۱۶: ۲۵). و دیگر اینکه مطابق اول یوحنا ۴: ۱ روح‌ها را بیازماییم و از حکما مشورت بجوییم زیرا «حکمت نزد آنان است که پند و اندرز می‌پذیرند» (امثال ۱۳: ۱۰). باید تمامی احساسات قلبی‌مان را با محک کلام خدا بسنجیم و در خصوص‌شان از ایمانداران حکیم و روحانی مشورت بطلبیم.

۲- استفاده غلط از کلام خدا

به شکل «سر کتاب باز کردن» و یا «فالگیری»! برخی در این روش، کتاب مقدس را به طور اتفاقی باز می‌کنند و به مجرد اینکه چشم‌شان به آیه‌ای افتاد باور می‌کنند که همان آیه هدایت خدا است برای ایشان. استفاده از این روش ممکن است نتایج مضحکی در بر داشته باشد، نظیر داستان

آن شخصی که به طور اتفاقی کتاب مقدس را باز کرد و چشمش به این آیه افتاد: «یهودا بیرون رفت و خود را به دار آویخت»؛ سپس یکه خورد و مجدداً کتاب مقدس را باز کرد و این آیه را دید: «برو و تو نیز چنین کن!»؛ این بار که دیگر کاملاً جا خورده بود کتاب مقدس را باز کرد و چنین خواند: «در آنچه می خواهی بکنی، تعجیل کن!»؛ هر چند این نمونه مضحک به نظر می رسد، اما به خوبی نشان گر این واقعیت است که اگر توسط کتاب مقدس در طلب درک هدایت الهی باشیم، پس باید برای مطالعه آن برنامه منظم و اصولی داشته باشیم، و آن گاه از دیدن اینکه چگونه کلام خدا هر روزه با ما سخن می گوید، شگفت زده خواهیم شد.

۳- اشتباه گرفتن احساس آرامش قلبی به عنوان نشانی از تایید و اراده خدا
در رساله یعقوب ۳: ۱۷ می خوانیم: «حکمتی که

از بالاست صلح‌آمیز است و ملایم.» اما آرامش تنها و آخرین نشانه در تایید اراده خدا نیست. وقتی یونس نبی از انجام اراده خدا سر باز زد و به دیاری دیگر می‌گریخت، در طی سفر آرام بر عرشه کشتی به خواب رفت در حالی که عیسی در نقطه مقابل برای انجام اراده خدا عرق خون بر پیشانی داشت. یک بار ایمان‌داری که قصد داشت با شخصی بی‌ایمان ازدواج کند، در پاسخ به اعتراض من چنین گفت: «خدا در مورد این موضوع به من آرامش داده است!» وقتی ما تصمیم می‌گیریم دست به عملی بزنیم که مخالف کلام خداست، باید این نکته را بدانیم که حتی اگر احساس آرامش هم بکنیم آن آرامش از جانب خدا نیست.

۴- پذیرفتن راهنمایی و مشورت افرادی که ادعا می‌کنند از جانب خدا پیامی برای ما دارند بار دیگر باید این نکته را خاطر نشان کنم که من

منکر این نیستیم که خداوند می‌تواند از طریق دیگران نیز با ما صحبت کند، اما چنین هدایتی باید به مشورت ایمانداران حکیم و رهبران کلیسا صورت بگیرد. «هر فکری را به اسارت مسیح اسیر می‌سازیم» (دوم قرن‌تیان ۱۰: ۵). خداوند مشتاق است که به هر یک از ما بیاموزد که چگونه صدای او را از طریق مطالعه کلام او تشخیص بدهیم؛ زیرا هر یک باید برای اعمال خود پاسخگو و مسئول باشیم. (دوم قرن‌تیان ۵: ۱۰).

ما در همان حال که در پی شناخت خدا هستیم و با اطاعت و پیروی از فرامین او، اراده مکشوف او را برای زندگی‌مان می‌طلبیم، می‌توانیم از او حکمت نیز بطلبیم و برکات الهی را در زندگی‌مان تجربه کنیم. «به جهت مستقیمان، حکمت کامل را ذخیره می‌کند، و برای آنانی که در کاملیت سلوک می‌نمایند، سپر می‌باشد» (امثال ۲: ۷).

بخش دوم

روش‌های درست برای تشخیص اراده خدا

«تا شما دریافت کنید که اراده نیکوی پسندیده کامل خدا چیست» (رومیان ۱۲: ۲).

همه فرزندان راستین خدا مشتاق‌اند که اراده خدا را برای زندگی خود دریابند، زیرا می‌دانند که اگر در طریق خدا سلوک کنند، حتماً از برکات و قدرت او برخوردار خواهند شد.

در بخش قبل با بررسی مزمور ۲۵، نگرش‌هایی را مورد توجه قرار دادیم که خدا برای کشف اراده‌اش از ما می‌طلبد. سپس هشدارهای مذکور در تثنیه ۱۸: ۱۰-۱۲ در خصوص راه‌های نادرست برای تشخیص اراده خدا را بررسی کردیم. به طور خلاصه، اگر بگوییم که اراده خدا را می‌دانیم

اما در این زمینه از روش‌های غیر کتاب‌مقدسی استفاده کنیم، فرمان سوم خدا را شکسته‌ایم که می‌فرماید: «نام یهوه خدای خود را به باطل مبر، زیرا خداوند کسی را که اسم او را به باطل برد، بی‌گناه نخواهد شمرد» (خروج ۲۰: ۷). لذا بسیار مهم است که برای تشخیص اراده خدا روش‌های درست را بیاموزیم و به کار ببریم.

دو گام برای تشخیص اراده خدا

گام اول

در رومیان ۱۲: ۱-۲ پولس رسول دو شرط لازم برای کشف اراده خدا را بر می‌شمارد. او در آیه ۲ می‌فرماید: «تا شما دریافت کنید که اراده نیکوی پسندیده کامل خدا چیست.» اما پیش از کلمه «تا» چه نکته‌ای آمده است؟ در آیه ۱، می‌خوانیم که پولس از ایمانداران می‌خواهد که در پرتو رحمت خدا، بدن خود را همچون قربانی زنده به او تقدیم دارند. این نخستین گام است: تا

حاضر نباشیم وجود خود را به طور کامل تسلیم خدا کنیم، قادر نخواهیم بود که اراده او را کشف کنیم. اما طبع بشری ما حکم می‌کند که ابتدا به دنبال درک اراده خدا باشیم، سپس تصمیم بگیریم که آیا می‌خواهیم مطیع آن بشویم یا نه. به عبارت دیگر، می‌خواهیم خواسته خود را به خدا بگوییم و بعد از او بخواهیم که نقشه ما را تقدیس کند. چند بار شده که آرزوهای خود را با فریاد نزد خدا آورده‌ایم و از او خواسته‌ایم که آنها را برکت دهد؟!

می‌گویند روزی جوانی از شبانش وقت گرفت تا درباره آینده‌اش با او گفتگو کند. او برنامه ده‌ساله‌ای را که برای زندگی خودش طرح کرده بود به شبان نشان داد و برای اینکه نشان دهد که چقدر فرد روحانی‌ای است از شبانش خواست که برای برنامه‌هایش دعا کند. شبان نگاهی به برنامه‌ها انداخت و گفت که بسیار خوب است، اما او فکر بهتری دارد. سپس از کشوی میزش کاغذ

سفیدی در آورد و به جوان داد و گفت: «فکر می‌کنم خدا خیلی خوشحال‌تر بشود که تو این کاغذ سفید را امضا کنی و آن را به خدا بدهی تا او آن را با برنامه‌های خودش پر کند!» قیافه جوان در هم رفت و حاضر نشد این کار را انجام دهد. منظور پولس نیز همین بود. برای تشخیص اراده خدا نخست باید برگه خالی زندگی خود را امضا کنیم و به او تقدیم داریم.

گام دوم

گام دومی که در این آیات در مورد درک اراده خدا ذکر شده، این است که باید بیاموزیم به روش کتاب مقدس فکر کنیم. در آیه ۲، پولس فرموده: «به تازگی ذهن خود، صورت خود را تبدیل دهید.» باید به زندگی از دریچه مکاشفه خدا نگاه کنید. در مزمور ۳۶: ۹ می‌خوانیم: «زیرا که نزد تو چشمه حیات است و در نور تو نور را خواهیم دید.» طبق کتاب مقدس، پیش از آنکه

اراده خدا را برای زندگی خود کشف کنیم، چه چیزی باید درباره اراده خدا بدانیم؟ کتاب مقدس به سه طریق مشخص درباره خدا سخن می گوید. می فرماید که خدا: ۱- اراده‌ای متعال دارد (افسیان ۱: ۱۱)، ۲- اراده‌ای اخلاقی دارد (اول تسالونیکیان ۴: ۳) و ۳- اراده‌ای برای تک تک فرزندان خود دارد (مزمور ۱۳۸: ۸). برای تشخیص اراده خدا برای زندگی خود، باید این تعلیم کتاب مقدس را درک کنیم.

توجه به اراده غایی خدا

اراده متعال خدا به روشنی در افسسیان ۱: ۱۱-۱۲ تشریح شده است، می فرماید: «ما نیز در وی میراث شده‌ایم، چنانکه پیش معین گشتیم بر حسب قصد او که همه چیزها را موافق رأی اراده خود می کند تا از ما که اول امیدوار به مسیح می بودیم، جلال او ستوده شود.» نخستین نکته‌ای که باید درک کرد، این است که خدا برای هر کاری که انجام می دهد،

نقشه و برنامه‌ای دارد. هر چه این اراده را بهتر درک کنیم، بهتر انجامش خواهیم داد. در این مقاله فرصت آن نیست که نقشه جامع کتاب مقدس را مورد بررسی قرار دهیم، اما دست کم می‌توانیم بگوییم که نقشه نجات خدا این است که هر آنچه که در باغ عدن از دست رفته بود، اعاده نماید و ملکوت خود را در جهان برقرار سازد. خواست او این است که جلال خود را به تمامی ملل بشناساند. اگر می‌خواهید اراده خدا را بدانید، سعی کنید او را بهتر بشناسید و به آنچه در قلب اوست پی ببرید. بهترین راه برای نیل به این مقصود، این است که کتاب مقدس را با پشتکار و دقت مطالعه کنید.

قطعیت اراده خدا اراده خدا پیروز است.

حقیقت مهم دیگر این است که اراده و هدف خدا همیشه به موقع به اجرا در خواهد آمد. اشعیا با قدرت می‌فرماید: «اراده من برقرار خواهد ماند و

تمامی مسرت خویش را به جا خواهم آورد.» سپس کمی دورتر می‌نویسد: «من گفتم و البته به جا خواهم آورد و تقدیر نموده‌ام و البته به وقوع خواهم رسانید» (اشعیا ۴۶: ۱۰-۱۱). کسی نمی‌تواند با اراده خدا مقاومت کند؛ او آنچه را که مقدر فرموده است عملی خواهد ساخت. «حکمتی نیست و فتانتی و نه مشورتی که به ضد خداوند به کار آید» (امثال ۲۱: ۳۰). انسان برنامه‌هایی طرح می‌کند، اما خداست که آنها را عملی می‌سازد: «دل انسان در طریقش تفکر می‌کند، اما خداوند قدم‌هایش را استوار می‌سازد» (امثال ۱۶: ۹). این حقیقت باعث دلگرمی انسان است. دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، به طور اتفاقی یا به دست انسان‌های شریر اداره نمی‌شود. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که در آن اراده خدا همیشه پیروز می‌شود. یوسف پسر یعقوب وقتی که در دربار فرعون با برادرانش سخن می‌گفت، این حقیقت را به گونه‌ای زیبا بیان کرد: «شما درباره من بد اندیشیدید، لیکن خدا از

آن قصد نیکی کرد، تا کاری کند که قوم کثیری را احیا نماید، چنان که امروز شده است» (پیدایش ۵۰: ۲۰). خدا همیشه از مشکلات استفاده می کند تا هدف و ملکوتش را به جلو ببرد.

حتی علیرغم شرارت این دنیا خدا اجازه می دهد که بدی وجود داشته باشد و به انسان آزادی می دهد تا علیه او تصمیمات طغیان گرانه بگیرد، اما او از تمامی اینها استفاده می کند تا هدف غایی خود را جامه عمل بپوشاند. پولس این نکته را این چنین بیان می دارد: «می دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می دارند و به حسب اراده او خوانده شده اند، همه چیزها برای خیریت ایشان با هم در کار می باشند» (رومیان ۸: ۲۸). کتاب مقدس می فرماید که خدا همه چیز را برای ما مکشوف نساخته است: «چیزهای مخفی از آن یهوه خدای ماست، و اما چیزهای مکشوف تا به ابد از آن ما و فرزندان ماست، تا جمیع کلمات این شریعت را به عمل آوریم»

(تثنیه ۲۹: ۲۹). بکوشید تا آنجا که می‌توانید اراده متعال خدا را کشف کنید، در مورد اموری که درک نمی‌کنید، به خدا توکل کنید چرا که او همه چیز را در دست خود دارد و وعده داده که ما را در مسیح پیروزی زیاده عطا فرماید. به هنگام تصمیم‌گیری‌ها، بدانید که خدا می‌تواند «در» تصمیمات شما، از «طریق» تصمیمات شما، و «با وجود» تصمیمات شما عمل کند تا اراده خود را تحقق بخشد. تاریخ حقیقتا داستانی است الاهی! جان کالوین چه زیبا گفته است که «خدا فقط به تاریخ چشم ندوخته، بلکه دستش نیز در آن عمل می‌کند.»

تسلیم اراده خدا شویم

به بیانی عملی‌تر، می‌توانیم بگوییم که ما در تصمیم‌گیری آزاد هستیم، اما هیچگاه از قدرت کنترل‌کننده خدا آزاد نیستیم. ما باید تصمیمات خود را با حالت آمیخته به اطاعت از خدا اتخاذ

کنیم. برای عملی کردن این منظور، دعا بهترین وسیله است. دعا کردن این نیست که به خدا بگوییم عالم هستی را چگونه اداره کند؛ دعا این است که در مقابل او سر تعظیم و تسلیم فرود آوریم و حاکمیت او را بر زندگی خود بپذیریم. دعا این است که مطابق تعلیم خداوندمان بگوییم: «ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد؛ ملکوت تو بیاید؛ اراده تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود» (متی ۶: ۹-۱۰). وقتی نمی‌دانیم چه باید بکنیم، باید طبق فرمایش یعقوب رسول، از خدا طلب حکمت کنیم و یقین بداریم که او حکمت لازم را برای تصمیم‌گیری درست به ما عطا خواهد کرد. آنگاه وقتی که هر روزه خود را تسلیم او نماییم و مطابق فرایض کلامش زندگی کنیم، می‌توانیم انتظار داشته باشیم که اراده‌اش را کشف نماییم.

بخش سوم

تشخیص درستی کارهای مان

«پای‌های خود را از هر راه بد نگاه داشتم تا آن که کلام تو را حفظ کنم. از داوری‌های تو رو بر نگردانیدم، زیرا که تو مرا تعلیم دادی»
(مزمور ۱۱۹: ۱۰۱-۱۰۲).

اخیرا پوستری بر روی دیوار کلیسایی نصب شده بود که روی آن، این جمله به چشم می‌خورد: «تصمیم نگرفتن یک تصمیم‌گیری است.»
طفره رفتن از تصمیم‌گیری خودش نوعی تصمیم‌گیری است، تصمیم گرفتن به تصمیم نگرفتن! ما مسیحیان فرا خوانده شده‌ایم تا هر روزه تصمیماتی بگیریم که باعث جلال و

حرمت خداوندمان عیسیای مسیح گردد. گاه اتخاذ چنین تصمیماتی دشوار است و گرایش ما این است که از آنها شانه خالی کنیم. گاه از نتایج تصمیم‌گیری مان می‌ترسیم؛ می‌ترسیم که آبروی مان نزد دوستان عزیزمان برود. ما راه درست را می‌دانیم اما در ضمن می‌دانیم اگر این راه را انتخاب کنیم، چه اتفاقی خواهد افتاد؛ آماده نیستیم که بها را بپردازیم. بعضی اوقات نیز نمی‌دانیم عواقب تصمیمات مان چه خواهد بود، از این رو از اتخاذ هر تصمیمی خودداری می‌کنیم. در اینجا است که ایمان ما وارد صحنه می‌شود. اگر مسیح و احکام او را پیروی می‌کنیم، این اطمینان را خواهیم داشت که اطاعت از خدا باعث برکت زندگی مان خواهد شد. یونس از انجام ارادهٔ خدا گریخت و سرانجام خود را در شکم یک نهنگ یافت، اما یوسف با فروتنی مطیع ارادهٔ خدا گردید و خدا نیز برای جلال خویش، او را به مقامی بلند منصوب ساخت.

حال، به خودمان نگاه کنیم؛ ما چگونه می‌توانیم اراده خدا را کشف کنیم؟ در بخش نخست از این مجموعه، دیدیم که چگونه بعضی‌ها اراده خدا را بهانه‌ای برای کسب منافع شخصی خود قرار می‌دهند. اراده خدا در انزوا مکشوف نمی‌شود؛ این امری خصوصی نیست، بلکه از طریق ارتباط با کلام خدا و قوم او دریافت می‌گردد. در بخش دوم، آموزه حاکمیت خدا را بررسی کردیم و دیدیم که هر انسانی باید حاضر باشد تسلیم این حقیقت شود که خدا قادر مطلق است و تمام تاریخ را تحت کنترل دارد تا هدف و جلال خود را به کمال برساند. داوود این حقیقت را در مزمو ۳۳: ۱۰-۱۱ اینچنین بیان می‌دارد: «خداوند مشورت امت‌ها را باطل می‌کند؛ تدبیرهای قبائل را نیست می‌گرداند. مشورت خداوند قائم است تا ابدآباد؛ تدابیر قلب او تا دهرالدهور.» ما مسیحیان به قضا و قدر اعتقاد نداریم، یعنی این اعتقاد که چون خدا کنترل امور را در دست دارد، ما دیگر هیچ مسئولیتی نداریم.

به یاد دارم که یکبار در تهران سوار تاکسی شدم و راننده با سرعتی سرسام‌آور شروع به راندن کرد. از او خواهش کردم که کمی آهسته‌تر براند تا تصادف نکنیم. پاسخ او را هرگز از یاد نمی‌برم؛ گفت: «هرچه خدا بخواهد، همان می‌شود». آنجا بود که پی بردم الاهیات ما چقدر متفاوت است. رانندهٔ تاکسی به حاکمیت خدا اعتقاد داشت، اما نه به مسئولیت انسان. من نیز به حاکمیت خدا اعتقاد داشتم که باید به خدا توکل کنیم گویی همه چیز به او بستگی دارد اما در ضمن باید طوری زندگی کنیم که گویی در مقابل خدا فقط ما برای همه چیز مسئولیم.

یک عالم الاهی برجسته به نام رایبِنسون (Haddon Robinson) رابطهٔ میان ارادهٔ حاکمانهٔ خدا در جهان و مسئولیت اخلاقی انسان را تشریح کرده می‌گوید که حاکمیت خدا همچون قانون جاذبه است. هر خلبان خوبی آن را محترم می‌شمارد و می‌داند که برای پرواز باید از قوانین

آرودینامیک تبعیت کند. این قوانین همچون احکام اخلاقی هستند. خلبان باید از آنها تبعیت کند. باید هواپیمایش سالم باشد و موتورهای هواپیمایش به خوبی تعمیر و نگهداری شده باشد تا بتواند از زمین برخیزد. قانون جاذبه همیشه حاضر است، اما با تسلط بر قوانین آرودینامیک و تبعیت از آنها، خلبان می‌تواند هواپیما را با موفقیت به مقصد برساند. حاکمیت خدا همواره حاضر و حاکم است تا هر اتفاقی را در جهت اراده و جلال خدا کنترل کند (رومیان ۸: ۲۸). اما خدا آنانی را که احکام او را می‌شناسند و مطابق آنها زندگی می‌کنند، برکت می‌دهد. در کتاب مقدس دو مورد هست که در آنها خدا وعده موفقیت می‌دهد، یکی مزمور ۱: ۱-۳ است و دیگری یوشع ۱: ۸. در هر دو مورد، موفقیت ثمره اطاعت از احکام اخلاقی خداست. اما سوء تفاهم نشود: ما فقط زمانی می‌توانیم از احکام خدا اطاعت کنیم که تولد تازه یافته و از روح القدس پر باشیم.

«زانرو که تفکر جسم دشمنی خدا است، چون که شریعت خدا را اطاعت نمی کند، زیرا نمی تواند هم بکند. و کسانی که جسمانی هستند، نمی توانند خدا را خشنود سازند» (رومیان ۸: ۷-۸). شریعت اخلاقی خدا معیار عدالت اوست، با اینکه نمی تواند ما را نجات بخشد. شریعت آشکار می سازد که ما «پیش از» تولد تازه، گناهکاریم و نمی توانیم زندگی عادلانه داشته باشیم و به نجات دهنده نیاز داریم؛ نگاه داشتن شریعت اخلاقی خدا آشکار می سازد که ما «پس از» تولد تازه عادل شمرده شده ایم. «خلاصه شریعت مقدس است و حکم مقدس و عادل و نیکو» (رومیان ۷: ۱۲). پولس شادی کرده، می گوید: «از گناه آزاد شده، غلامان عدالت گشته اید» (رومیان ۶: ۱۸). داوود نیز این حقیقت را به خوبی درک کرده بود: «به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک می سازد؟ به نگاه داشتنش موافق کلام تو» (مزمور ۱۱۹: ۹). همه ما ایمانداران باید بدانیم که اراده خدا این

است که دیگر در گناه زندگی نکنیم بلکه زندگی پاک و مقدسی داشته باشیم. پولس جای هیچ شکی باقی نمی‌گذارد وقتی می‌فرماید که «زیرا که این است اراده خدا یعنی قدوسیت شما» (اول تسالونیکیان ۴: ۳). هر تصمیمی که می‌گیرید، باید کلام خدا را جستجو کنید تا یقین بدانید که گناه نمی‌کنید. مشکل این است که زندگی چیز پیچیده‌ای است و هرگز در موقعیتی خاص نمی‌توانیم بگوییم چه چیزی گناه است و چه چیزی نیست. لذا اجازه بدهید راهایی برای آزمایش کارهای مان پیشنهاد کنم تا بدانید آیا کاری که می‌کنید درست است یا نه.

۱- آیا کاملاً مطمئنید که آنچه می‌کنید گناه نیست؟
«پس هر کس در ذهن خود متقین بشود (یعنی یقین حاصل کند» (رومیان ۱۴: ۵). یک ایماندار واقعی وقتی می‌داند که گناه می‌کند، معمولاً مضطرب می‌شود و آرامش خود را از دست

می‌دهد. همه ما می‌توانیم برای گناهان خود بهانه‌تراشی کنیم، اما باید به آن نجوای آرام الهی که با قلب‌مان سخن می‌گوید گوش فرا دهیم. وجدان خود را نادیده نگیرید. داوود به خدا گفت که وقتی گناه خود را نادیده گرفت، «دست تو (یعنی دست خدا) روز و شب بر من سنگین می‌بود. رطوبتم به خشکی تابستان مبدل گردید» (مزمور ۳۲: ۴).

۲- اگر عیسی ببیند چه می‌کنید، آیا شرمنده می‌شوید؟

پولس می‌فرماید: «لهذا حریص هستیم بر اینکه... پسندیده او باشیم» (دوم قرنتیان ۵: ۹). وقتی مادرم مرا از تبریز به تهران فرستاد تا به مدرسه بروم، نصیحت بسیار خوبی به من کرد. گفت: «تو آزادی هر کاری که می‌خواهی بکنی اما تا آن حد که بتوانی تجسم کنی که من هم در آن کارها کنارت هستم.» مادرم هیچ‌گاه پی نبرد که

حرفش باعث شد از چه «خوشی‌هایی» محروم شوم! درستی یا نادرستی رفتار ماست که تعیین می‌کند در حضور مسیح زنده سلوک می‌کنیم یا نه. اگر مسیح بیاید و در کنارتان بایستد، آیا احساس شرمندگی می‌کنید؟ اگر می‌کنید، همین دلیل خوبی است تا آن کار را ترک کنید.

۳- آیا کارتان می‌تواند به هر نحوی سنگ لغزشی برای سایر مسیحیان باشد؟

پولس می‌فرماید: «بنابراین، بر یکدیگر حکم نکنیم، بلکه حکم کنید به اینکه کسی سنگی مصادم یا لغزشی در راه برادر خود نهد» (رومیان ۱۴: ۱۳). در روزگار پولس، گوشتی که برای بت‌ها قربانی می‌شد موضوع روحانی مهمی به حساب می‌آمد. پولس می‌گوید که خوردن آن اشکالی ندارد، اما اگر این کار باعث لغزش برادری می‌شود، نباید آن را خورد. اصل تعیین‌کننده در اینجا، محبت نسبت به برادر ضعیف‌تر

است. امروز هم ممکن است درباره بعضی مسائل بحث کنیم که گناه هستند یا نه. سوال اینجاست که آیا برادرم را آن قدر دوست دارم که بعضی آزادی‌های مسیحی خود را در راه او فدا کنم؟

۴- آیا کارتان باعث اختلاف میان دیگران می‌شود؟

پولس می‌نویسد: «اگر ممکن است، به قدر قوه خود با جمیع خلق به صلح بکوشید» (رومیان ۱۲: ۱۸). یک عمل خاص ممکن است به خودی خود گناه نباشد، اما اگر باعث بروز اختلاف میان برادران و خواهران می‌شود، باید از آن دوری کرد. در کلیسایی خدمت می‌کردم که در مورد رفتار شایسته در روز خداوند اختلاف نظر وجود داشت. رهبران کلیسایی برای جلوگیری از بروز اختلاف، نظر آن گروهی را محترم شمردند که احساس می‌کردند روز یکشنبه را باید به طرز خاصی مراعات کرد و برخی کارها را در آن روز

انجام نداد.

۵- آیا کارهای تان باعث می شود که دیگران در مسیح رشد کنند؟

«پس آن اموری را که منشا سلامتی و بنای یکدیگر است، پیروی نمایید» (رومیان ۱۴: ۱۹).

هیچ گاه آن روز را از یاد نخواهم برد که شبانم از سوی بعضی از اعضای ناراضی مورد حمله لفظی قرار گرفت. او به جای اینکه از خود دفاع کند، جلو رفت و دست ایشان را گرفت و برای شان دعا کرد. کار او در آن روز سبب شد که من در مسیح رشد کنم. مردم همیشه به ما خادمین نگاه می کنند؛ عمل درست ما نمونه ای خوب بر جای می گذارد و دیگران را به سوی رشد در مسیح رهنمون می کند.

۶- آیا کارهای تان باعث اسارت تان می‌شود؟
 «پس اگر پسر شما را آزاد کند، در حقیقت آزاد خواهید بود» (یوحنا ۸: ۳۶ و لوقا ۴: ۱۸).
 بعضی کارها هستند که انجام‌شان در حد متعادل بی‌ضرر است، اما اگر همان کارها شروع به کنترل ما کنند، آنگاه باید از آنها دوری بجوییم. عادات بد، اعتیاد به مواد مخدر، مشروبات الکلی، سکس و بسیاری چیزهای دیگر ما را اسیر می‌سازند و این امر مورد پسند خدا نیست. پولس رسول می‌فرماید: «پس به آن آزادی که مسیح ما را به آن آزاد کرد استوار باشید و باز در یوغ بندگی گرفتار مشوید» (غلاطیان ۵: ۱). یقین حاصل کنید که فقط در خدمت و بندگی مسیح هستید، نه چیز دیگری!

۷- آیا کارهای تان باعث جلال مسیح می‌گردد؟
 باز از خود پولس رسول نقل قول می‌کنیم که فرموده: «پس خواه بخورید، خواه بنوشید، خواه

هرچه کنید، همه را برای جلال خدا بکنید» (اول قرن‌تینان ۱۰: ۳۱). هر چقدر خصائل اخلاقی و کارهای مان بیشتر شبیه مسیح شود، بیشتر باعث جلال خدا خواهیم شد. وقتی به زیبایی ماه کامل نگاه می‌کنیم، به این واقعیت فکر می‌کنیم که آن از خود هیچ نوری ندارد بلکه فقط نور خورشید را منعکس می‌سازد. ما نیز باید در نور مسیح زندگی کنیم و انعکاسی باشیم از پسر خدا. هر روز در موقعیت‌هایی قرار می‌گیریم که لازم است دست به انتخاب بزنیم. در این شرایط باید به یاد داشته باشیم که هر عمل ما باید باعث جلال مسیح و پیشرفت ملکوت او گردد.

بخش چهارم

راه‌های خدا برای هدایت ما

«دلی نیز که معرفت ندارد نیکو نیست، و هر که به پای‌های خود می‌شتابد، گناه می‌کند»
(امثال ۱۹: ۲)

در آخرین بخش از مبحث درک اراده خدا، خاطر نشان می‌سازم که خدا خواهان آن است که اراده خود را بر ما مکشوف سازد و آنگاه که ما با فروتنی از او مسئلت بجوییم، چنین خواهد کرد. «مسکینان را به انصاف رهبری خواهد کرد و به مسکینان طریق خود را تعلیم خواهد داد» (مزمور ۹: ۲۵). فروتنی ما از این ثابت می‌شود که تعلیم‌پذیر باشیم و در تمامی راه‌هایی که خدا ما را بدان هدایت می‌کند از او اطاعت کنیم. بیاید برخی از راه‌هایی را که خدا از طریق آن ما

را هدایت می‌کند، بررسی کنیم.

۱ - خدا برای خدمات خاص دعوت خاص نیز به عمل می‌آورد.

زندگی ارمیای نبی نمونه‌ای است روشن: «قبل از آنکه تو را در شکم صورت بندم، تو را شناختم و قبل از بیرون آمدنت از رحم، تو را تقدیس نمودم و تو را نبی امت‌ها قرار دادم» (ارمیا ۱: ۵). خدا در طول تاریخ افراد را برای خدمات خاصی برگزیده است. جهت درک اراده خدا برای زندگی‌تان، ابتدا باید بدانید که دعوت او از شما چیست. اغلب این دعوت به صورت اشتیاقی درونی و عمیق برای خدمت به خدا در فرد ظاهر می‌شود و با گذشت زمان قوی‌تر و عمیق‌تر می‌گردد. آنان که چنین دعوتی را در خود احساس می‌کنند، در می‌یابند که با انجام هیچ کار دیگری به چنین شادی و آرامشی دست نمی‌یابند. هرچند شخص می‌تواند این اشتیاق را سرکوب کرده و فرو نشاند (اول

تسالونیکیان ۵: ۱۹-۲۲). اما باید در نظر داشت که چنین دعوتی از طرف کلیسای خدا نیز مورد تایید قرار بگیرد. خدا شما را در خلأ به خدمت فرا نمی خواند، بلکه در جمع ایماندارانی که شما را می شناسند، و می بینند که خدا چگونه شما را به خدمت فراخوانده است. من خود وقتی احساس کردم که خدا مرا برای خدمت فرا می خواند، به نزد رهبران کلیسا رفتم و از ایشان خواستم که برای این امر دعا کنند و از خدا هدایت بخواهند؛ و وقتی تایید کردند که خداوند این موضوع را برای ایشان نیز روشن ساخته، بسیار خوشحال شدم. پس بسیار مهم است که دعوت خدا را برای زندگی خود بدانید.

۲- خدا برای هدایت کردن ما، مسیحیان با ایمان را به کار می گیرد.
آنان که فکر می کنند مستقیماً با خدا در ارتباطند و به مشورت دیگران نیازی ندارند،

دچار غرور و تکبرند. ببینید سلیمان نبی در مورد چنین افرادی چه می‌گوید: «راهی هست که در نظر انسان راست است، اما عاقبت آن راه، موت می‌باشد» (امثال ۱۶: ۲۵). «از تکبر جز نزاع چیزی پیدا نمی‌شود، اما با آنانی که پند می‌پذیرند حکمت است» (امثال ۱۳: ۱۰). «پند را بشنو و تادیب را قبول نما، تا در عاقبت خود حکیم بشوی» (امثال ۱۹: ۲۰). اگر تاکنون از کسی مشورت نطلبیده‌اید، افراد حکیم و روحانی را به مشورت بطلبید. به تنهایی دست به تصمیم‌گیری‌های بزرگ نزنید که این کاری است بس ابلهانه. در مشورت طلبیدن از افراد روحانی حکمتی نهفته است که می‌تواند شما را از غم و اندوه برهاند. اگر خواهان آن نیستید که پیش از اجرای برنامه‌ها و نقشه‌های‌تان با دیگران مشورت کنید، پس باید بدانید که یکی از راه‌هایی را که خدا می‌تواند از طریق آن شما را هدایت کند، مسدود ساخته‌اید.

۳- خدا مطابق عطایای روحانی که به ما عطا فرموده، ما را به کار می‌گیرد.

بسیاری از خدمات مسیحی با شکست مواجه شده‌اند صرفاً بدین جهت که خادمی عطای خاص خود را نشناخته است. پولس رسول می‌فرماید: «اما دربارهٔ عطایای روحانی، ای برادران نمی‌خواهم شما بی‌خبر باشید» (اول قرنیتیان ۱۲: ۱). و در همان متن ادامه داده، چنین می‌گوید که عطایای مختلف برای انجام خدمات مختلف به کار می‌آید. وقتی عطایای روحانی خود را تشخیص می‌دهیم، آنگاه است که می‌توانیم دعوت خدا را نیز تشخیص دهیم. عطایای خدا به سادگی و زمانی در ما آشکار می‌شوند که:

☀ نیازهای کلیسای خدا را تشخیص می‌دهیم و در صدد رفع آنها بر می‌آییم.

☉ عطایای خود را به کار می‌گیریم و توانایی‌های خود را شکوفا می‌سازیم.

☉ عطایای روحانی خود را با قدرت روح‌القدس به کار می‌گیریم و مایهٔ برکت دیگران می‌شویم. فردی فکر می‌کرد و اصرار داشت که عطای تعلیم دارد اما هیچ‌یک از افراد از تعلیم او راضی و خشنود نبودند و واقعیت امر را به وی نیز گفتند. او با ناراحتی چنین پاسخ داد: «مشکل اینجاست که عطای شنیدن و تعلیم یافتن ندارید!» پس به جای اصرار ورزیدن بر این که عطایی خاص داریم، بهتر آن است که به نظرات و واکنش‌هایی که افراد در مقابل خدمات ما نشان می‌دهند توجه کنیم و خدمات خود را در راستای توانایی‌ها و عطایای مان در پیش گیریم.

۴- نمی توان اراده خدا را از طریق «باز و بسته شدن درها» تشخیص داد.

برخی تلاش می کنند که برای درک اراده خدا فرمولی به وجود بیاورند. به عنوان مثال با خود چنین می اندیشند «اگر فلان در بسته شد، پس انجام فلان کار اراده خدا برای من نبوده است، و اگر دری باز شد، انجام فلان کار به وضوح اراده خداست برای من!». این نوع ساده انگاری دارای مشکل است. این روش کتاب مقدسی نیست. پولس رسول اغلب هدایت می شد که مناطقی برود که درهای آن به روی او گشوده نبود. «درباره ما نیز دعا کنید که خدا در کلام را به روی ما بگشاید» (کولسیان ۴: ۳). پدر من بیست سال دعا می کرد که خدا درهای کشور افغانستان را بگشاید و به او فرصت دهد تا در آن کشور به نام مسیح شهادت دهد، و خدا نیز عاقبت به دعای او پاسخ داد. در بسته به مثابه عدم تایید اراده خدا نیست. زیرا او می تواند درهای بسته را بگشاید

(اعمال ۵: ۱۹). و به همین ترتیب، در باز نیز به مثابه تأیید اراده خدا نیست. پولس رسول در دوم قرن‌تیا ن ۲: ۱۲-۱۳ می‌فرماید: «اما چون به تروآس به جهت بشارت مسیح آمدم و دروازه‌ای برای من در خداوند باز شد، در روح خود آرامی نداشتم، از آن رو که برادر خود تیطس را نیافتم.» فرصت‌ها به دست می‌آیند و از دست می‌روند اما این فرصت‌ها را به مثابه نشانه‌هایی قطعی از تأیید اراده خدا برای خود در نظر نگیرید.

و بالاخره اینکه می‌خواهم شما را ترغیب کنم تا اراده خدا را در جهت خدمتی که برای شما در نظر دارد جستجو کنید. می‌خواهم فرصت را مغتنم بشمارم و به شما پیشنهاد کنم که یک روز را با خدا خلوت کنید و به این سوالات پاسخ دهید:

- ۱- بهترین کاری که می‌توانم انجام دهم چیست؟
- ۲- چه خدمتی انجام داده‌ام که خدا آن را دائماً برکت داده است؟

- ۳- مهم ترین چیز برای من چیست؟
۴- می خواهم مردم مرا به خاطر چه چیزی به یاد بیاورند؟

در ضمن اینکه به سوالات فوق پاسخ می دهید، از خدا بخواهید که خدمت خاصی را که برای سال های آتی زندگی تان در نظر دارد بر شما آشکار فرماید. آنچه به شما کمک می کند که بدانید اراده خدا را دریافته اید، این است که احساسی شبیه به احساس پولس رسول داشته باشید که فرمود: «در اجتهاد کاهلی نورزید و در روح سرگرم شده، خداوند را خدمت نمایید» (رومیان ۱۲: ۱۱). وقتی اراده خدا را برای زندگی خود دریافتید، در خداوند شادی و وجدی عظیم خواهید کرد. «خداوند کار مرا به کمال خواهد رسانید. ای خداوند، رحمت تو تا ابدالآباد است. کارهای دست خویش را ترک منما» (مزمور ۱۳۸: ۸).

Discerning God's Will by Ashton Stewart

This translation is published by the partnership between Jude Project and TALIM ministries. All rights reserved.

Layout setting: The Jude Project

Farsi translation Copyright © 2018 TALIM ministries

Published by Jaaam Publishers

A Division of The Jude Project

P.O Box 532 Ashburn, VA 20146

www.JudeProject.org

Printed in the United States of America

First Printing 2018

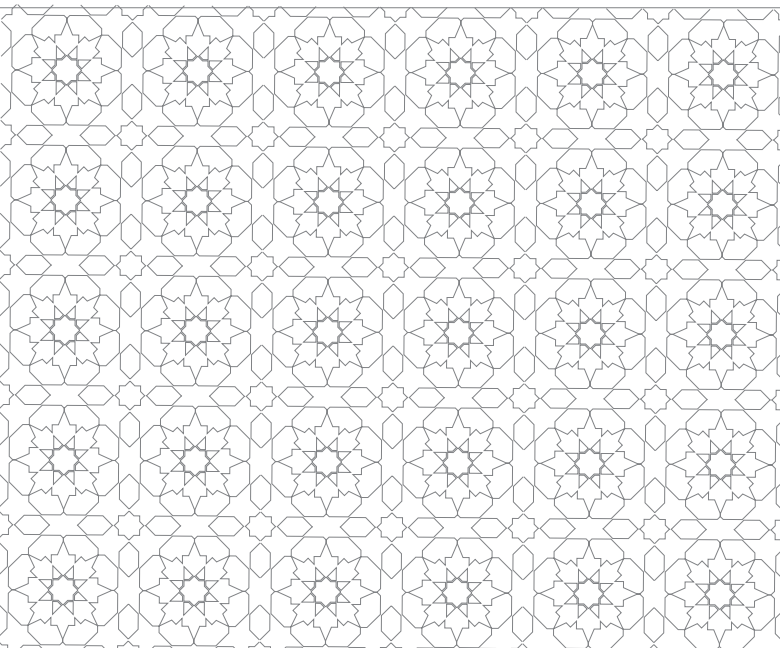
ISBN: 978-1-941693-23-0

Interior & Cover Design: Jude Project

No part of this publication may be reproduced, stored in retrieval system, or transmitted in any form by any means-for example electronic, photocopy, recording- without the prior written permission of the publisher. The only exception is brief quotation in printed reviews.

If you would like more information about the Jude Project
or information about other resources in Farsi, or other
languages, visit www.judeproject.org or email us at:

order@judeproject.org



کشیش تت استیوارت دانش آموخته
الهیات مسیحی در دانشکده الهیات
پرینستون و مدیر سازمان تعلیم
است. تت استیوارت کتب دیگری
نیز از جمله «تشخیص دعوت الاهی
برای خدمت» و «تربیت فرزندان» را
به رشته تحریر درآورده است.

